

## سر و فریومد

از سبزوار قریب ده فرسنگ تا داور زن که بطرف طهران حرکت کنیم در نزدیکی آبادی کهک که کنار راه عمومی است باراه مال روی بسوی شمال باطنی چهار فرسنگ زمین ریگزار به شهرک فریومد می‌رسیم. این آبادی بسیار پر درخت و شامل انواع میوه است و در دامنه کوه واقع شده و نسبت به راه شوسه طهران مشهد قریب ۲۰۰ متر مرتفع است.

فریومد در قرون قبل از اسلام قرن‌ها وجود داشته و بسیاری از رجال علمی اسلامی از علما و شعرا و وزرا به آنجا منسوبند، وقبر شاعر شیرین سخن ابن‌یمین فریومدی به حالت خرابه در فریومد وقوع دارد.

فریومد تا عهد مغول و کمی بیشتر اهمیت شایانی داشته و بعداً ویرانی مقرون با قلت سکنه پیدا کرده و اکنون جمعیت آن در حدود سه هزار خانه وار پنج نفری است و بسیاری از اهالی به طهران و جاهای دیگر مهاجرت کرده اند.

با این که در آبادی فریومد فتوری دست داده اکنون کاریزهای حسین آباد - محمدآباد - سعیدآباد - نصریه - مظفر - برزین - کوشک - باغ پائین - مرداب - عیش آباد - کلانه نو - کاریز بازار (- که شکافته آن از زیر مسجد جامع فریومد می‌گذشته و اکنون بی آب است) و سایر قنوات مذکور باغات و اراضی قصبه را آبیاری می‌کند.

در این آبادی دو یادگار مهم وجود داشته که یکی از سر و فریومد بوده و قبل از اسلام در این محل غرس شده بوده و ینال تکین بن خوارزم شاه در سال ۵۳۷ قمری هجری درخت را سوزانده و ازین برده است، و دیگری مسجد جامع فریومد است که از عجایب هنری ایران است.

جامع فریومد در حدود نهصد سال قبل ساخته شده و نام بانی هنوز بدست نیامده

است و معمار آنجا علی نام داشته که در دیوار جنوبی مسجد (عمل علی بن الحسین محمود جابر الشهرستانی) خوانده می‌شود. و تزئینات مسجد کچ بری بسیار ظریف و دقیق و نفیس است بعلاوه نقوشی از سفال پخته فراهم گردیده و جا بجا در ایوانها و دیوار مسجد نصب شده است.

محراب کچ بری مسجد شامل نقوش بدیع و خطوط کوفی و ثلث مشتمل بر آیات قرآنی است و ظرافت بسیار در محراب و تمام اسپر ایوان جنوبی و مقرنس آنجا تا زیر سقف نمایان است و چنین بنظر رسید که ساختمان متعلق به نیمه دوم قرن پنجم هجری است.

به عقیده بنده از نظر هنری کچ بری رباط شرف در سرخس، و مسجد کرمانی در جوار مزار شیخ احمد جام، و محراب و مسجد نائین و جاهای دیگر در ایران ساده تر از مسجد فریومد میباشد، و این مسجد در ظرف نهمصد سال مرمت و مراقبت ندیده، و شبستان های آنجا خراب شد، و سقف ایوان شمالی و جنوبی ریخته، و اکنون باقیمانده مسجد در این شهرک قدیمی به حال نیمه خراب افتاده است؛ و مرمت این بنا کار استادان بسیار تیز دست و بصیر است و هر گاه امثال آقای وحدتی مشهدی که معماری توانا و کچ کاری ماهر است به این کار گمارده شود از عهده رفع نواقص مسجد بیرون خواهد آمد و ایوان جنوبی و محراب و دیوار فوق محراب و مقرنس ایوان يك تابلو بزرگ از نقاشی و کچ بری و هنر است که اثر نازک کاری های نیاکان را با بهترین وضعی نمایان می‌سازد. و این بنا مشابه ندارد.

اکنون قصد ندارم راجع به جامع فریومد توضیحات بیشتری بدهم و در پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی که در شهریور امسال در اصفهان فراهم می‌گردد مقاله مسجد فریومد را تقدیم جویندگان این آثار خواهم کرد. نکته دیگر موضوع سرو سوخته شده فریومد است.

فصه سرو کاشمر یا کاشمر را غالباً شنیده‌اند و شعر حکیم فردوسی علیه الرحمه را که: یکی شاخ سرو آورد از بهشت بدروازه شهر کاشمر بگشت

بیشتر فضلاً در نظر دارند ولیکن کمتر توجه شده که نظیر سر و کشمر در جای دیگر هم وجود داشته که سالها بعد از بریدن سر و کشمر ( قریب سیصد سال ) دیگر عمر کرده و عاقبت ینال تکین بن خوارزمشاه به غرورشاهزادگی و طبع خشن و دلخود خواه و هوای نفس یادگاری بس عزیز را به آتش هوای خود به باد فنا داده و اثر آنرا از روی زمین و خاک فریومد برانداخته است .

اکنون برای آنان که در این مورد شک دارند و یا اگر خوانده‌اند و از خاطرشان محو شده سند بسیار متینی را ارائه می‌دهم و تصدیق می‌دهم که گرانی و کمیابی گوشت کیلوی ۲۰۰ ریال (۱) و کمبود قند و شکر و صرف روغن نباتی کمتر محقق را مهیا می‌سازد که به متون قدیمه فارسی مراجعه کند و یک نکته جالب را بجویندگان تقدیم نماید و بنده به مصداق: نأکل لان نعیش ولا نعیش لان نأکل اگر نان بی‌ادام و خورش صرف کنم از تحقیق و مطالعه این قبیل امور خودداری نخواهم کرد .

بجاست عبارت تاریخ بیهق تألیف مرحوم ابوالحسن بن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق را ( این کتاب مورد علاقه تمام مرحوم علامه میرزا محمد خان قزوینی رحمه الله بوده و از صفحه ۲۸۱ تا ۲۷۳ آن به اهتمام مرحوم احمد بهمنیار استاد دانشگاه طهران در سال ۱۳۱۷ خورشیدی چاپ شده ) راجع به سر و کشمر و فریومد ذیلاً نقل می‌کنیم تا خوانندگان عزیز بیشتر به مطلب توجه حاصل فرمایند .

( قصه سر و دیه کشمر و سر و دیه فریومد )

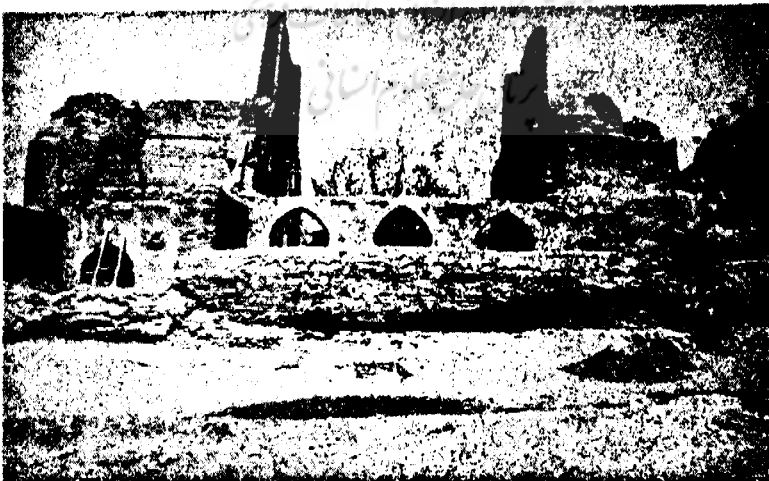
زردشت که صاحب المعجوز بود دو طالع اختیا کرد و فرمود تا بدان دو طالع دو درخت سر و بکشتند - یکی در دیه کشمر طریث (علی آباد کنونی ترشیش سابق و کاشمر کنونی) و یکی در دیه فریومد. و در کتاب ثمار القلوب خواجه ابو منصور ثعالبی چنین آرد که این دو درخت گشتاسب ملك فرمود تا بکشتند. المتوکل علی الله جعفر ابن المعتصم خلیفه را این درخت وصف کردند و او بنای جعفریه آغاز کرده بود. نامه نوشت به عامل نیشابور خواجه ابو الطیب و بامیر طاهر بن عبدالله بن طاهر که باید آن

درخت بیرند و برگردون نهند و به بغداد فرستند و جمله شاخهای آن در نمد دوزند و بفرستند تا درودگران در بغداد آن درخت راست باز نهند و شاخها به میخ به هم باز بندند چنانکه هیچ شاخ و فرع از آن درخت ضایع نشود تا وی آن ببیند آنگاه در بنا بکار برند. پس کبرکان جمله جمع شدند و خواجه ابوالطیب را گفتند ما پنجاه هزار دینار زر نیشابوری خزانه خلیفه را خدمت، کنیم درخواه تا از این بریدن درخت درگذرد چه هزار سال زیادت است تا آن درخت کشته اند و این درسنه اثنین و ثلاثین و مأین بود و از آنوقت که این درخت کشته بودند تا بدین وقت هزار و چهارصد و پنج سال بود، و گفتند که قلع و قطع این مبارک نیاید و بدین ارتفاع دست ندهد. پس عامل نیشابور گفت متوکل نه از خلفا و ملوک بود که فرمان وی ردّ توان کرد. پس خواجه ابوالطیب امیر عتاب بن ورقا الشاعر الشیبانی را که از فرزندان عمر و بن کلثوم الشاعر بود بدین عمل نصب کرد و استادی درودگر بود. در نیشابور که مثل او نبود او را حسین نجار گفتندی. مدتی روزگار صرف کردند تا آره آن بساختند و اسباب آن مهیا کردند. و استداره ساق این درخت چنانکه در کتب آورده اند مساحت بیست و هفت تازیانه بوده است. هر تازیانه رشی و ربعی بذراع شاه. و گفته اند در سایه آن درخت زیادت از هزار گوسفند قرار گرفتی و وقتی که آدمی نبودی و گوسفند و شبان نبودی و حوش و سماع آنجا آرام گرفتندی و چندان مرغ کونا کون بر شاخها مأوی داشتند که اعداد ایشان کسی در ضبط حساب نتواند آورد. چون بیوفتاد در آن حدود زمین بلرزد و کاریزها و بناهای بسیار خلل کرد. و نماز شام انواع و اقسام مرغان بیامدند چندانکه آسمان پوشیده گشت و به انواع اصوات خویش نوحه و زاری می کردند بر وجهی که مردمان از آن تعجب کردند و گوسفندان که در ظلال آن آرام گرفتندی همچنان ناله و زاری آغاز کردند.

پانصد هزار درم صرف افتاد در وجوه آن تا اصل آن درخت از کشمربه جعفر به بردند و شاخها و فروع آن بر هزار و سیصد اشتر نهادند. آن روز که بیگ منزلی

جعفریه رسید آنشب غلامان متوکل را بکشتند و آن اصل سر و ندید و آن بر خورداری نیافت. و این بود شب چهارشنبه ثلاث خلون من شوال سنه اثنتین و ثلاثین و مائین. باغیتر کی باجماعتی از غلامان به اشارت منتصر قصد متوکل کردند و متوکل در مجلس لهو نشسته بود و آن (درخت) در یک منزلی جعفریه بماند تا عهدی نزدیک و در آن سال والی نیشابور که آن فرمود - ابوالطیب طاهر و هر که در آن سعی کرده بود جمله پیش از حولان حول هلاک شدند. درودگر و آهنگر و شاگردان و اصحاب نظاره و ناقلان آن چوب هیچ کس نماندند و این از اتفاقات عجیبه است.

و سر و فریومد عمر و بقا پیش از آن یافت تا سنه سبع و ثلاثین و خمسانه بماند (دریست و نود و یکسال پس از سر و کشمر) و مدت بقای این سر و در فریومد هزار و ششصد و نود و یکسال بود. پس امیر اسفهلارینال تکین بن خوارشاه فرمود تا آنرا بسوختند و حالی ضرری بوی و حشم وی نرسید زیرا که به واسطه آتش در آن تصرف کردند و آن درخت زردشت آتش پرست گشته بود. و بماند (ینال تکین) تا سنه احدی و خمسین و خمسانه. چهارده سال دیگر بزیست و خاصیت درخت فریومد آن بود که هر پادشاه که چشم او بر آن افتادی او را در آن سال نکبت رسیدی و عمرها این تجربه مکرر گردانیده بودند.



منظره کنونی جامع فریومد که آثار فرسودگی در شبستانها و سقف دو ایوان آن نمایان است